

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان:
Historical Analysis of Afghan Painting from Prehistoric Times to the
Beginning of Amani Reforms
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

تحلیل تاریخی نقاشی افغانستان از دوران ماقبل تاریخ تا آغاز اصلاحات امانی

رضا رفیعی‌راد^۱، علیرضا اکرمی حسن کیاده^{۲*}

۱. پژوهشگر دکتری هنرهای اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.
۲. مربی، گروه نقاشی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۰/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۰۲

چکیده

افغانستان، کشوری در حوزه تمدنی جهان اسلام و ایران است که از نظر سیاسی و فرهنگی اهمیت خاصی دارد. متون تاریخی و نیز کاوش‌های باستانی از سال‌های زمامداری شاه امان‌الله‌خان و پس از آن در مناطق مختلف افغانستان، شواهد زیادی مبنی بر وجود نقاشی از دوران ماقبل تاریخ و نیز دوران تاریخی در اقصی نقاط افغانستان به صورت پراکنده ارائه کرده است. سؤال این است که شکل‌گیری تاریخی نقاشی افغانستان، از زمان پیشاتاریخ تا استقلال افغانستان به چه صورت تبیین و تحلیل می‌شود؟ هدف پژوهش حاضر، تبیین تاریخی سیر نقاشی افغانستان از دوران پیشاتاریخی تا زمان استقلال افغانستان است. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و با استخراج از متون تاریخی و بررسی مستندات باستان‌شناسی با استفاده منابع کتابخانه‌ای و آرشیوی به انجام رسیده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که آثار دوران کهن سنگی قدیم و میانه، فاقد نقوش و آثار دوران کهن سنگی جدید دارای نقاشی‌های خطی زیگزاگ هستند. در عهد برنز روی سفال‌های منقوش با شیوه طراحی هندسی و ترسیمات شامل اشکال هندسی نظیر لوزی، مربع و نیز خطوط موازی بوده و طراحی گل عشق و حیوانات نظیر بز، با رعایت تناسب واقعی و به شیوه خطی انجام شده است. در آثار عهد نوسنگی نیز شامل طراحی‌های واقع‌گرایانه و یا سمبولیک از حیوانات، گیاهان و همچنین نقوش انتزاعی هندسی، در شیوه یونانوباختری لوح سیل را می‌توان به عنوان یک نقش برجسته رنگ‌آمیزی شده ملاحظه کرد. در عصر کوشانیان، نقاشی‌ها بر روی عاج و شیشه با فیگورهای خلاصه‌شده و در دو مکتب گانداهارا و ماتورا نیز می‌توان نقاشی بودا و موضوع حیات او را مشاهده کرد. نقاشی‌های دیواری عهد غزنوی در کاخ‌ها و برج و باروها نیز از زیبایی‌شناسی خاص منطقه بهره می‌برد. در عهد تیموری با ظهور اساتیدی چون بهزاد، شاهد نقطه اوجی از نظر زیبایی‌شناسی فرمی و محتوا هستیم که رفته‌رفته افول کرد و نشانی از نگارگران دوران بعدی وجود ندارد. اما از زمان شاهان درانی تا اصلاحات امانی، نقاشانی چون محمد عظیم ابکم، میرحسام‌الدین، محمدرضا نقاش، محمد حیدر و علی احمد ظهور کردند که رهروان سنت‌های نقاشی افغانستان تا پیش از ورود زیبایی‌شناسی نقاشی آکادمیک غرب بودند.

واژگان کلیدی: نقاشی افغانستان، تاریخ نقاشی، نقاشی‌های غارهای بامیان، نگارگری.

مقدمه

از جنبه‌های فرهنگی و تمدنی دارای اهمیت خاص و در دوران باستان، از نقاط کانونی در جاده ابریشم و مسیر مهاجرت انسان‌ها بوده است (کهزاد، ۱۳۵۵، ۳۱۷؛ Baxter, 1997, 125). از جنبه هنری نیز این کشور، از پیشاتاریخ تاکنون، تاریخی درخشان در حوزه هنر دارد که می‌توان به مکاتب هنری گاندهارا و ماتورا،

افغانستان، از نظر سیاسی در محل ژئواستراتژیکی مهمی قرار گرفته که آسیای شرقی، آسیای جنوبی، آسیای غربی و آسیای میانه را به هم وصل کرده (Griffin, 2002, 110).

* نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۳۴۶۰۲۵۴، alireza_akrami12@yahoo.com

نگرش سبک‌گرایانه تقسیم‌بندی کرده‌اند. مقالات دیگری نیز توسط رضا رفیعی‌راد و مهدی محمدزاده با عنوان «راهبردهای زنان نقاش افغانستان در بازآفرینی و احیای میراث تصویری نگارگری در نقاشی معاصر این کشور»، در سال ۱۳۹۸ و مقاله دیگری با عنوان «مقایسه شیوه‌های کاربست سنت‌های تصویری نگارگری در آثار نقاشان زن معاصر در ایران و افغانستان» در سال ۱۳۹۹ نیز اشارات مختصری به تاریخ نقاشی افغانستان داشته (رفیعی‌راد و محمدزاده، ۱۳۹۸، ۴-۵) و ضمن معرفی به آثار نقاشان زن معاصر این کشور، به تحلیل فرمی و محتوایی آن‌ها پرداخته‌اند (رفیعی‌راد و محمدزاده، ۱۳۹۹، ۳۱-۳۵). همچنین از این دو نویسنده و محمدرضا مریدی، مقاله با عنوان «تحلیل مضمون‌شناسانه نقاشی معاصر افغانستان» به روش تحلیل تماتیک انجام شده و ضمن معرفی چندین نقاش معاصر افغانستان، مضامین نقاشی آنان دسته‌بندی و سپس تحلیل کرده است. در زمینه نقاشی افغانستان، مقاله با عنوان «تطبیق بازنمایی تصویر زن در نقاشی معاصر افغانستان و تاجیکستان» در سال ۱۴۰۰، نوشته رفیعی‌راد و امیرپور، اشارات مختصری نیز در زمینه تاریخ نقاشی این دو کشور داشته است (رفیعی‌راد و امیرپور، ۱۴۰۰، ۲۶). مقاله دیگری از «عبدالقدیر سروری» با عنوان Study of the Art of Painting in Kabul منتشر شده و به معرفی چند نقاش معاصر در کابل مانند «غلام‌محمد میمنگی» و «عبدالغفور برشنا» (Sarwary, 2020, 17-20) و معرفی آثارشان پرداخته است.

تاریخ نقاشی افغانستان

یکی از مشخصات دوران‌های تاریخی افغانستان، آشنایی با بیشترین مدنیت‌های تاریخی جهان است، چنان‌که هم با تمدن‌های سواحل مدیترانه و هم با هند و چین، داد و ستد داشته است. از سال ۱۹۲۳ م به این سو، کاوش‌های باستان‌شناسی در این کشور نشان می‌دهد که انسان‌های اولیه در کنار رودخانه‌ها و از حدود ۱۰۰ الی ۱۲۰ هزار سال قبل، در این سرزمین می‌زیستند (Lhuillier & Bendezu- Sarmiento, 2018, 342). در ادامه به بررسی سیر تاریخی نقاشی در دوران مختلف این کشور پرداخته خواهد شد.

• دوران ماقبل تاریخ

کشفیات باستان‌شناسی عصر کهن‌سنگی قدیم، در دشت ناور غزنی توسط لوئیس دوپری^۱ در سال ۱۹۷۴م و دوره کهن سنگی میانه، کشفیات او در سال ۱۹۷۰م در غارمرده گوسفند و در دره کور، در سال ۱۹۹۶م، توسط هیئت دانشگاه کیوتو در ۱۹۵۹ الی ۱۹۶۷، در هزار سم سمنگان، توسط کارلتون کن‌آدر سال ۱۹۵۴م، ساحه قره کمر و اس ام پوگلیزی^۲ در

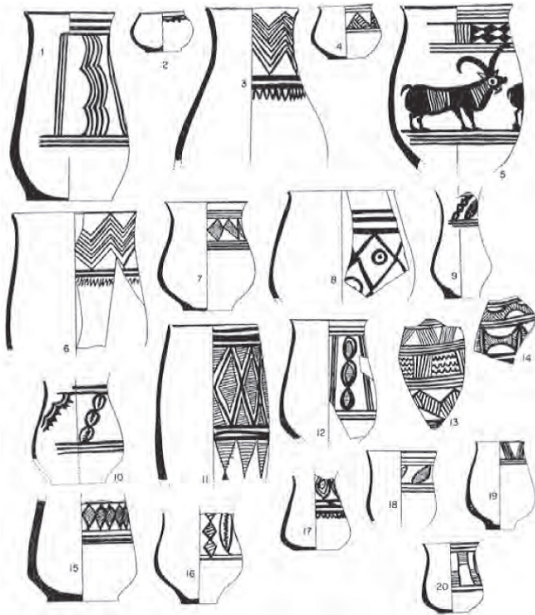
هنر یونانو- باختری و نیز مکتب نگارگری هرات، اشاره کرد. کاوش‌های باستانی از سال‌های زمامداری شاه امان‌الله‌خان، به ریاست لوئیس دوپری در سال‌های ۱۹۷۰، ۱۹۹۶ و ۱۹۷۴م، هیئت دانشگاه کیوتو در ۱۹۵۹ الی ۱۹۶۷، کارلتون کن در سال ۱۹۵۴م، اس ام پوگلیزی در سال ۱۹۶۳م، ژان ماری کزل (۱۹۶۱) و دیگر گروه‌های باستان‌شناسی، شواهد زیادی مبنی بر وجود نقاشی از دوران ماقبل تاریخ و دوران تاریخی در اقصی نقاط افغانستان به صورت پراکنده ارائه کرده و اسناد مکتوب تاریخی نظیر مکتوبات هیون تسنگ، زائر چینی در سال ۶۲۳ میلادی نیز از نقوش دیواری به رنگ‌های مختلف از صحنه‌های مختلف حیات بودا خبر داده است. در دوران پس از اسلام نیز می‌توان آثار نقاشی را در سیمای نگارگری و یا نقاشی دیواری مشاهده کرد. این سیر تاریخی نقاشی تا دوران ظهور اساطیدی چون «محمد عظیم ابکم» در دربار شاهان درانی، نیز ادامه پیدا کرد. حال سؤال این است که شکل‌گیری تاریخی نقاشی افغانستان، از زمان پیشاتاریخ تا استقلال افغانستان (۱۹۱۹م.) به چه صورت تبیین و تحلیل می‌شود؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر، به روش توصیفی - تحلیلی بر مبنای یافته‌های گروه‌های باستان‌شناسی در افغانستان از سال‌های زمامداری امان‌الله شاه تاکنون و نیز با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و آرشیوی به انجام رسیده است. در این پژوهش تلاش شد معیار بررسی‌ها متکی بر یافته‌های باستان‌شناسانه به صورت ابژه قابل لمس باشد و از اسناد تاریخی مکتوب استفاده‌حداقلی صورت گرفت.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های صورت‌گرفته در زمینه نقاشی افغانستان بیشتر بر نقاشی معاصر آن تأکید دارند اما در برخی از آنها می‌توان اشارات مختصری به تاریخ نقاشی این کشور مشاهده کرد. پژوهش «عبدالواسع رهرو عمرزاد» در سال ۱۳۹۷ با عنوان «هنر افغانستان در سده اخیر» همچنین مقاله دیگری در سال ۱۳۹۶ توسط رضا رفیعی‌راد و تومیریس با عنوان «کارکرد پیکره در نقاشی دو دهه افغانستان» که این دو پژوهش سیر تاریخی نقاشی افغانستان را به چهار دوره «پیش از اسلام»، «پس از اسلام»، «دوره رئالیسم» و «پس از پایان جنگ‌های داخلی» (رفیعی‌راد و تومیریس، ۱۳۹۶، ۱۹-۲۰) و یا در تقسیم‌بندی دیگری به صورت «پیش از اسلام»، «دوره طلایی اول (مکتب هرات)»، «دوره طلایی دوم (حکومت امانی)» و «نوگرایی (دو دهه اخیر)»، (رهرو عمرزاد، ۱۳۹۷، ۱۶) با



تصویر ۱. ساحه باستانی مندیکک در عصر برنز، بالا: طراحی روی سفال، هزاره سوم ق.م پایین: طراحی بز و طراحی هندسی بر روی فذح‌های سفالی و یک گل‌دان. مأخذ: Samiento & Rasouli, 2018, 76-77.



تصویر ۲. مهر سنگی، کشف شده از ولایت تخار، منطقه شورتوقی. مأخذ: Frankforth, 1989, 51.

سال ۱۹۶۳م در دره کلان و نیز دوران کهن سنگی جدید توسط لوپس دوپری در سال ۱۹۶۶ در منطقه آق کپرک انجام گرفته صرفاً شامل کاربردی بدون نقش و سر مجسمه و تزئینات زیگزاگ است.

• دوران تاریخی (نوسنگی - برنز)

کشفیات کزل^۴ (۱۹۶۱) مربوط به عصر برنز در سیدقلعه و مندیکک، شامل ظروف سفالی منقوش با طراحی هندسی و نیز گل عشق و حیوانات نظیر بز، با رعایت تناسب واقعی و به شیوه خطی انجام شده است (تصویر ۱).

کشفیات عصر نوسنگی در ساحه سیستان توسط تیم فرانسوی به سرپرستی گریشمن^۵ در سال ۱۹۳۶ و نیز هیئت باستان‌شناسی افغان- شوروی به سرپرستی ویکتور سریانیدی در ۱۹۷۳، در سرخ‌دک و سفیدک در سیستان و یک گروه ایتالیایی به سرپرستی توسی^۶، در سال ۱۹۶۷ انجام شده است. مردم این سرزمین که مربوط به عصر مفرغ هستند، به صنایع دستی و فنونی مانند پارچه‌بافی، سفال‌گری، فلزکاری، ساخت اشیاء سنگی، سبذبافی و معماری دسترسی داشتند (تصویر ۲).

کشفیات دکتر «عبدالرئوف وردک»، در سال ۱۹۶۶م، در منطقه فلول، شامل ظروفی در کنار جسد متعلق به این دوران بود که اشکال نباتی، حیوانی مانند گاوهای نر وحشی، خوک‌های وحشی، پرنده‌ای میان دوماز و نقوش هندسی در آن‌ها منقوش شده است (تصویر ۳). آثار به دست آمده از عصر هخامنشی در افغانستان، بیشتر به صورت معماری در مناطقی مانند دلبرژین، تاشقرغان، کهنه قلعه، بالاحصار می‌توان مشاهده کرد (رفیعی‌راد، ۱۴۰۱، ۱۵).

• دوره یونانو- باختری

دافا^۷ هیئت باستان‌شناسی فرانسوی، در سال ۱۹۶۵ به سرپرستی پل برنارد در منطقه آی‌خانم، کاوش‌های خود را آغاز کرد که آثار به دست آمده در این منطقه، به سبک کلاسیک یونانی طراحی و اجرا شده‌اند (تصاویر ۴ الی ۶). از آی‌خانم، یک لوح دایره‌ای به قطر ۲۵ سانتی‌متر نقره و طلاکوب شده به نام لوح سیبیل (الهه یونانی طبیعت)، به دست آمده که به شیوه یونانو- باختری کار شده است.

• دوران امپراتوری کوشانیان و کیداری‌ها (قرن اول تا چهارم میلادی) دوره کوشانی، در تاریخ افغانستان، یک دوره بزرگ عمرانی، مذهبی، هنری و ادبی است که آثار شاخصی شامل نقاشی، سکه، معماری معبد و استوپا، مجسمه‌سازی و کتیبه از این دوره در مناطقی نظیر گندهارا، کاپیسا، بگرام، بامیان، سرخ کوتل و سایر نقاط برجا مانده است.

کاوش‌های منطقه بگرام، توسط افراد مختلفی مانند «ژان کزل»، «ژاک مونیه»، «ریه هاکن»، «رومن گریشمن» از



تصویر ۳. تپهٔ فلول، ۱۹۶۶، ظرف طلائی، قرح با نقوش هندسی، جام با نقش گاوهای نر و خوک وحشی. موزهٔ گیمی افغانستان، گنجینه‌های باز یافته، ۱۳۸۶. مأخذ: Sarmiento & Rasouli, 2018

سال‌های ۱۹۳۶ الی ۱۹۴۸ انجام شده است. در سال‌های ۱۹۳۷ الی ۱۹۳۹، خزانه یا گنجینهٔ بگرام در دو اتاق لاک و مهر شده کشف شد که پر از آثار ارزشمند ساخته‌شده از عاج هندی و آثار شیشه‌ای و اشیاء برنجی و نمادهای گچی (دارای منشاء یونانی) بودند (تصاویر ۸ و ۹). از دیگر نقاشی‌های مکشوف کوشانی در افغانستان می‌توان به نقاشی‌های روی شیشه در این گنجینه اشاره کرد (تصاویر ۱۰ و ۱۱).

از دیگر آثار مربوط به عصر کوشانیان، در ۴۰ کیلومتری شمال غرب بلخ در منطقه به نام دلبرزین قرار دارد که توسط تیم مشترک افغان - شوروی حفريات آن به انجام رسید. از این منطقه، آثار نقاشی دیواری به دست آمده است (تصاویر ۱۲ و ۱۳).

یکی دیگر مناطق مکشوفه توسط هیئت افغان - ژاپنی، تحت سرپرستی میزونو در ۱۹۶۶، از دوران کوشانی افغانستان، تپهٔ شتر هده در ولایت ننگرهار است. در قرن چهارم میلادی، مناطق کوشانی همراه با گندهارا، به تصرف ساسانیان درآمد. قدیمی‌ترین سندی که نام گندهارا را برای اولین باز ذکر کرده، ریگودا است. اما اولین سند تاریخی، کتیبه داریوش اول در بیستون است (Sarmiento & Rasouli, 2018, 148). در زمان حیات بودا، ترسیم و تجسم شخص بودا ممنوع و سپس در گندهارا و ماتورا، ابتدا به شکل سمبل مورد مورد نیایش قرار می‌گرفت. این دو مکتب هنری یعنی گندهارا و ماتورا، همزمان و در دورهٔ امپراتوری کوشانیان به وجود آمده و فعال بودند.

بامیان که هردوت، آن را چهارراه فرهنگ‌ها می‌داند، از مهم‌ترین مناطقی تحت نفوذ کوشانیان بود که در ضمن حفاری، نقاشی‌های منحصر به فردی از غارهای آن کشف شده است (تصاویر ۱۴ و ۱۵). همچنین مجسمهٔ دو بودای بزرگ نیز در آن از قرن اول میلادی به جا مانده است. پاهای بودای بزرگ را در سال ۱۶۴۷ میلادی را اورنگ زیپ، تخریب کرده است.

هیون تسنگ، در سال ۶۲۳ میلادی از بامیان دیدن کرده و



تصویر ۴. چهرهٔ مرد از گل خانم، آی خانم، معبد تاقچه‌های دنداندار، قرن ۲ قبل از میلاد، ۱۵*۲۱ سانتی‌متر، موزهٔ ملی افغانستان. البوم گنجینه‌های باز یافته، ۱۳۸۶. مأخذ: Sarmiento & Rasouli, 2018



تصویر ۵. مجسمهٔ زن از سنگ آهک، آی خانم، معبد. مأخذ: Frankforth, 1989, 55



تصویر ۹. لوح منقوش، صحنهٔ جاتاگا، افغانستان، بگرام، قرن اول میلادی، عا، ۵/۸*۱۱ سانتی متر، موزه ملی افغانستان. آلبوم گنجینه‌های باز یافته، ۱۳۸۶. مأخذ: Sarmiento & Rasouli, 2018

کاوش قرار گرفته است. مس عینک لوگر، به عنوان یکی از مناطق مهم در حوزهٔ گندهارا، نقاشی‌های دیواری و نقاشی‌های روی فلز و ظروف به دست آمده و نقاشی‌های آن به دو گروه نقاشی‌های تصویری (به شیوهٔ بیانگری) و انتزاعی تقسیم می‌شود (باوری، ۱۳۹۹، ۱۵).

از حفاریات جدید در سال ۲۰۱۲ از شهر سوات، در گندهارا نقاشی به سبک فرسکوبونو (رنگ‌آمیزی بر روی سطح خیس) به دست آمده است (تصویر ۱۸). نقاشی‌های عصر کوشانیان بر روی سفال و در ابعاد کوچک نیز در بلخ به دست آمده که قابل توجه هستند (تصویر ۱۹).

از اواخر قرن چهارم تا قرن هشتم میلادی، امپراتوری هفتالی^۸ بر سرزمین افغانستان حاکم بودند و سپس از هشتم تا قرن یازدهم میلادی تحت نام‌های هندوشاهان، رتبیل‌شاهان و کابل‌شاهان به حیات سیاسی خود ادامه دادند. در این دوران، مجسمه‌سازی و طراحی سکه رواج داشته است.

• دوران اسلامی (حملةٔ اعراب تا ظهور احمدشاه درانی)

در قرن اول اسلامی، دودمان رتبیلان بر زابلستان، کابلشاهان بر کابل، شیران بر بامیان، اویکان بر غزینه و گردیز، تگینان بر ولایات شمالی و بر هرات و غور، سوریان حکمرانی می‌کردند. تمام این خاندان‌ها هم کوشانی و هفتالی بودند.

• بنی‌امیه و بنی‌عباس

اعراب به دستور عمر، در ۶۴۲ م به ایران حمله کردند. سپس تا سال ۸۷۰، تمام افغانستان کنونی، توسط اعراب تسخیر شد (Dupree, 1977, 21). از قرن اول میلادی، آزادی عقیده و پرستش رایج بوده اما تغییر نهایی دین افغانستان در عصر غزنوی و در حدود قرن یازدهم میلادی صورت گرفت (حبیبی، ۱۳۶۷، ۳-۴).

هیون تسنگ از انواع مختلف پارچه‌ها مانند «کیاو شی پی»، «وازتسو مو»، «کین پو لو» و «هولالی» (تسنگ، ۱۳۰۱، ۱۳۳) طبری از دیبایهای مروی، هروی و قوهی از افغانستان در قرن هشتم میلادی (طبری، ۱۹۶۷، ۴۶۵)، ابن اثیر از



تصویر ۶ مجسمه پای بزرگ از سنگ مرمر، آی خانم، معبد. مأخذ: Frankforth, 1989, 75



تصویر ۷. بشقاب نقره طلاکوب سیبل به شیوهٔ یونانو باختری. مأخذ: Frankforth, 1989, 75



تصویر ۸. لوح منقوش، صحنهٔ جاتاگا، افغانستان، بگرام، قرن اول میلادی، عا، ۵/۸*۱۱ سانتی متر، موزه ملی افغانستان. آلبوم گنجینه‌های باز یافته، ۱۳۸۶. مأخذ: Sarmiento & Rasouli, 2018

از نقوش دیواری به رنگ‌های مختلف از صحنه‌های مختلف حیات بودا، خبر داده است. تصاویر ۱۶ و ۱۷، نقاشی سقف رواق بودای بزرگ را نشان می‌دهد.

منطقهٔ مس عینک، یک ساحه باستانی از دوران برنز، آهن، کوشانی - ساسانی و عصر اسلامی افغانستان است که چندین بار در سال‌های ۱۹۶۲، ۱۹۷۷ و ۱۹۸۰ توسط دافا، مورد



تصویر ۱۱. جام شیشه‌ای نقاشی شده، صحنه شکار و ماهی‌گیری، هنر کوشانی، بگرام، افغانستان، قرن اول میلادی، ارتفاع ۲۴/۷، قطر ۱۱/۷ سانتی‌متر، موزه ملی افغانستان. آلبوم گنجینه‌های باز یافته، ۱۳۸۶. مأخذ: Sarmiento & Rasouli, 2018.



تصویر ۱۰. جام شیشه‌ای نقاشی شده، هنر کوشانی، بگرام، افغانستان، قرن اول میلادی، ارتفاع ۱۲/۶، قطر ۸ سانتی‌متر، موزه ملی افغانستان. آلبوم گنجینه‌های باز یافته، ۱۳۸۶. مأخذ: Sarmiento & Rasouli, 2018.



تصویر ۱۳. نقاشی دیواری و تزئینات دیوار شمالی. مأخذ: Kruglikova, 1979, 12.



تصویر ۱۲. نقاشی دیواری یکی از سرداران یا شاهزادگان. مأخذ: Kruglikova, 1979, 12.

گیاهان و خوشنویسی بود که نشان از طراحی اسلامی آن دارد (زکی، ۱۳۶۳، ۲۳۰). تصویر ۲۰. پارچه ابریشمی با نقاشی بافته شده از سر گراز در حلقه‌های مروارید و طاووس، که در غارهای بودایی بامیان یافت شده و تحت تأثیر هنر ساسانی است. همچنین در تصویر دیگر، نقش بز بر روی پاچه ابریشمی، بر شیوه ساسانی آن تأکید دارد.

• طاهریان، سامانیان و غزنویان

از ۸۲۱ تا ۸۷۲ میلادی، خاندان طاهری دولتی را در افغانستان تأسیس و خواهان استقلال افغانستان در کنار خلافت اسلامی بودند. بسیاری از آثار نیز در این دوران از بین رفته است. سپس یعقوب لیث صفاری، در ۸۳۲ میلادی، کابلشاه را شکست داد و افغانستان تا سال ۹۱۰ میلادی، در زیر حاکمیت صفاریان قرار گرفت.

دوره صفاری، عهد انکشاف و استحکام مؤسسه سیاسی دولت و بسط امنیت بود. همچنین فتوادلیسم افغانستان از قرن



تصویر ۱۴. سمت راست نقاشی دیواری رواق بودای بزرگ، در دست چپ، هدیه‌دهنده، هدیه اش را با دست بالا گرفته است. سمت چپ: در بالای سر بودا در سقف رواق، یک بودیستوا را نشان می‌دهد. بامیان، قرن اول میلادی. مأخذ: Hackin, 1933, 12.

شهرت منسوجات هرات در مصر (مقریزی، ۱۳۲۴، ۴۱۷) نام برده‌اند. نقاشی این پارچه‌ها عموماً از تصاویر فیل‌های بزرگ، طاووس و شتر، تزئینات حاشیه با نقوش حیوانات و

هفتم میلادی، رو به استحکام نهاده و در قرن نهم و دهم مستحکم شد (غبار، ۱۳۶۸، ۹۵). سپس سلسله سامانی که خاندانی در بلخ و زرتشتی بودند، از سال ۸۹۲ الی ۹۹۹ میلادی بر سرزمین افغانستان حاکم شدند. قرن نهم و دهم، مطلع علم و هنر آسیای وسطی است، شهرهای افغانستان و ماوراءالنهر، مرجع علما، شعرا و هنروران سایر ممالک بود. دربار سامانی، مشوق و حامی علم و هنر بود و رجال و وزرای فاضل و علم پروری داشت مانند ابوالفضل محمد بن عبدالله بلعمی (همان، ۹۹). تصویر ۲۱، نمونه‌ای از نقاشی شیر تخیلی بال‌دار و غیر متقارن در افغانستان را متأثر از هنر ساسانی در زمان سامانیان نشان می‌دهد.

عصر غزنوی در افغانستان، از سال ۹۶۲ الی ۱۱۴۸ میلادی ادامه یافت. این دوره در تاریخ افغانستان، دوره تحکیم مبانی وحدت کشور از نظر مذهب، زبان و سیاست است. در این دوران همچنین صنایع دستی نظیر زرگری، صنایع چوبی، خاتم‌کاری، حکاکی، آبنوس‌کاری و همچنین نقاشی و موسیقی ترقیات زیادی نموده بود. غبار از نقاشی‌های مربوط به این دوره در لشکری‌بازار کابل که در عهد غزنوی ترسیم شده و همچنین نقاشی در صنایع دستی افغانستان در این دوره (غبار، ۱۳۶۸، ۹۹-۱۰۱) سخن می‌گوید (تصاویر ۲۲ و ۲۳).

کوشک‌ها و کاخ‌های غزنوی، محصول دسترنج معماران و نقاشان افغانستانی، شامل سربازخانه، خزانه، اقامتگاه درباریان، محل سکونت شاه و شاهزادگان و نظامیان بود (Porfeiz, 2016, 68). این کاخ‌ها به سبک زیبایی‌شناسی خاص منطقه، بر بنیاد نیازمندی‌های خانواده شاهی با دیوارهای بلند در بهترین مکان شهر ساخته می‌شدند (جلالی، ۱۳۵۱، ۱۰۴). در ساختمان برخی کاخ‌ها در لشکری‌بازار، بر روی دیوارهای ساخته شده از گل، خشت و گچ، نقاشی‌هایی کشیده شده بود که سربازان و جنگجویان را با لباس مخصوص نشان می‌داد (باسورث، ۱۳۸۴، ۱۰۷). سلطان محمود، به غیر از آنکه ادیب‌پرور بود، برای زیباسازی پایتخت، هنرمندان را نیز دعوت به کار کرده بود (بمباچی، ۱۳۷۶، ۷۶). بییهقی از نقاشی‌های برهنه مردان و زنان در کوشک باغ عدنانی که سلطان مسعود دستور انجام آن را داده، سخن رانده و همچنین از زبان عبدالملک نقاش، مبلغ بنای این کوشک را همراه با نقاشی‌هایش، هفت میلیون درهم بیان کرده است (بییهقی، ۱۳۶۴، ۱۴۹).

• سلجوقیان و خوارزمشاهیان

سلجوقیان که بیشتر بدوی و بی‌سواد بوده و بسیار دیر با مدنیت خو گرفتند، در افغانستان از ۱۰۳۸ تا ۱۱۵۳ میلادی حکومت کردند که جنگ‌های فتوئالی و تجزیه‌طلبی و تعصبات اشعری



تصویر ۱۵. نقاشی بودا، دره ککرک، بامیان. مأخذ: Hackin, 1933, 13.



تصویر ۱۶. نقاشی و تزئینات رواق بودای بزرگ، بامیان. مأخذ: Hackin, 1933, 13.



تصویر ۱۷. نقاشی دیواری بودا، ککرک، عصر کوشانی. مأخذ: the fourth series of ICOM Red Lists of Antiquities at Risk, 2004, 5.



تصویر ۱۸. نقاشی‌های به‌دست‌آمده از مس عینک و سوات. مأخذ: باوری، ۱۳۹۹، ۱۵.



تصویر ۱۹. سه اثر نقاشی بر روی سفال با رنگ گواش، عصر کوشانی، موزه متروپلیتن، سمت راست: ابعاد 57/2 cm x 53/3 x 5/7 cm شماره دسترسی ۲۰۰۰/۴۲/۳، وسط: ابعاد H. 57/2 cm, W 5/7 cm, D 41/6 cm. شماره دسترسی ۲۰۰۰/۴۲/۴، چپ: ابعاد H. 56/8 cm, W. 52/3 cm, D. 5/4 cm شماره دسترسی ۲۰۰۰/۴۲/۲ مأخذ: <https://www.metmuseum.org/art/collection/search/327832>

با حمله مغول در قرن سیزدهم، آن سلسله نیز براندازی شد. مقدمات انحطاط فرهنگی افغانستان از قرن یازدهم میلادی در طی جنگ‌های سیصدساله با علمای معقول و فلسفه با اقوام جدیدالاسلام نظیر غزنوی، سلجوقی و خوارزمی چیده شد. از زمان استیلای مغول تا هجوم امیر تیمور گورکانی در قرن چهاردهم و پانزدهم میلادی، افغانستان یک قرن و نیم در حالت تاریکی مطلق مادی و معنوی به سر برد.

• تیموریان

با همه خشونت‌ها و بحران‌های عهد تیموریان، نقاشی

از خصایص بارز این دوره بود. دولت غوریان از ۱۱۴۸ تا ۱۲۱۴ میلادی، در افغانستان حکومت کردند آنها شباهت بسیاری به غزنویان داشتند. همچنان که در این دوران در حوزه ادبیات، چهارمقاله عروضی سمرقندی، لباب الالباب و تاریخ طبقات ناصری تألیف شدند، در هنر و معماری نیز، مسجد جامع هرات و منار جام ساخته شدند. همچنین کوشک برین و باغ داور، که این دو، همراه با بسیاری از دستاوردهای علمی و هنری دیگر، در هجوم قوم مغول از بین رفتند (غبار، ۱۳۶۸، ۱۳۶). از سال ۱۲۱۴ تا ۱۲۱۹، خوارزمشاهیان بر افغانستان حاکم بودند که



تصویر ۲۰. سمت راست: پارچه ابریشمی، قرن هفتم و هشتم میلادی، افغانستان، موزه مترو پلیتن، شماره دسترسی: ۲۰۰۴/۲۶۰، وسط و چپ: پارچه ابریشمی قرن هشتم میلادی، افغانستان، شماره دسترسی: ۲۰۰۵/۱۳۴. مأخذ: <https://www.metmuseum.org/art/collection/search/72582>.



تصویر ۲۲. نقاشی دیواری، دوره مسعود، عصر غزنوی، لشکری بازار، افغانستان. مأخذ: Necipoğlu & Bailey, 2006, 74.



تصویر ۲۱. نقاشی بر روی کاسه سفالی، زیرلعابی شفاف، عصر سامانی، افغانستان (موزه مترو پلیتن، شماره دسترسی، ۱۹۸۰/۵۲۴). مأخذ: <https://toosfoundation.com/samanid-dynasty>.

و دارای افق بلند و جبال اسفنجی، همچنین استهلاک نفوذ خارجی و ویژگی‌های ملی و بومی (Sabahat, 2019, 151) رهایی از شیوه معمولی مغولی (رفاعی، ۱۳۸۶، ۴۱) کار بر ترکیبات رنگی طبیعی، ابداع تک‌چهره (Miran, 2016, 124) آغاز کاریکاتور چهره، تلاش در نمایش احوالات درونی فیگور و نیز ارائه دیدگاه رئالیستی به جامعه، کاربرد فراوان معماری به مردانوف، عنوان نظم‌دهنده ساختار نگاره و جایگاه حضور شخصیت‌های نگاره (محمدزاده و مسینه اصل، ۱۳۹۵، ۲۷) و بازنمایی نهر یا جوی آب با رنگ نقره‌ای که به شکل مارپیچ

افغانستان در این دوران در قالب مکتب هرات، به اوج رسید. با جلوس سلطان حسین بایقرا در هرات و به مدد امیر علی شیر نوایی، ارباب فن از اطراف و اکناف ایران بدان مهد ادب گستر ذوق پرور که پناهگاه ادبا و هنرمندان بود، شتافتند (خواندمیر، ۱۳۸۰، ۳-۴). در زمان حکمرانی سلطان حسین، هرات به عنوان مرکز واقعی مدنیت، هنر خطاطی و کتاب‌آرایی توسعه یافته و به اوج تکامل می‌رسد. هم‌آیندی فرم نقاشانه با محتوای عاشقانه و عارفانه شعر و تصویر همراه با فیگور انسانی، در تصاویر ظریف و کوچک و زمینه تزئینی

از اصلاحات، نتایجی را حاصل نموده است. آثار یافته شده از عصر کهن‌سنگی قدیم و کهن‌سنگی میانه در افغانستان، فاقد نقوش هستند اما آثار به‌دست آمده از دوران کهن‌سنگی جدید دارای طراحی خطی زیگزاگ هستند. نقاشی‌های دوران تاریخی در عهد برنز بر روی سفال‌های منقوش با شیوه طراحی خطی و شامل اشکال هندسی گل عشق و حیوانات نظیر بز، با رعایت تناسب انجام شده‌اند. آثار عهد نوسنگی نیز شامل طراحی‌های طبیعت‌پردازانه و یا سمبولیک از حیوانات، گیاهان و همچنین نقوش انتزاعی هندسی است. نقاشی روی شیشه در عصر کوشانیان، شامل فیگورهای استیلیزه با رعایت تناسب اندام، تناسب رنگ پوست با واقعیت، تناسب اندازه‌های انسان و محیط بوده و نقاشی دیواری این دوران نیز شباهت بسیاری به آثار مانوی دارد. در دو مکتب گانداهارا و ماتورا در دوره کوشانیان نیز می‌توان ترسیم نقاشی بودا و حیات او را مشاهده کرد. نقاشی‌های دیواری عهد غزنوی که در کاخ‌ها و برج و باروها نقاشی می‌شد نیز از زیبایی‌شناسی خاص منطقه بهره می‌برد. سپس در عهد تیموری با ظهور اساتیدی چون بهزاد، شاهد نقطه اوجی از نظر زیبایی‌شناسی و محتوا در آثار هستیم که رفته‌رفته افول کرد و از زمان شاهان درانی تا پایان مرحله اول اصلاحات امانی، این روند ادامه یافت. در این دوران، نقاشانی چون محمد عظیم ابکم، میرحسام‌الدین، محمدرضا نقاش، محمد حیدر و علی احمد ظهور کردند که اطلاعات درباره آن‌ها و آثارشان اندک است.

پی‌نوشت

۱. Louis Dupree
۲. Carlton Ken
۳. S.M Poglyzzi
۴. Casal, J.M
۵. Ghirshman, R
۶. Tosi
۷. DAFA: Délégation Archéologique Française en Afghanistan
۸. Hephthalites

فهرست منابع

- باسورث، کلیفورد ادموند. (۱۳۸۴). تاریخ غزنویان (ترجمه حسن انوشه)، ج. ۲ و ۱. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- باوری، رسول. (۱۳۹۹). کشفیات جدید در حوزه گندهارای قدیم با تأکید بر هنر نقاشی در افغانستان. کنفرانس سیر تاریخ نقاشی افغانستان، مؤسسه اکو- کابل، افغانستان.
- بمباچی. (۱۳۷۶). هنر دوره غزنوی (ترجمه یعقوب آژند). تهران: انتشارات مولی.
- بیهقی، خواجه ابوالفضل. (۱۳۶۴). تاریخ بیهقی. (به تصحیح دکتر علی اکبر فیاض). کابل: مطبعه دولتی.



تصویر ۲۳. نقاشی کاغذ و لاک بر روی میز شش‌ضلعی، عصر غزنوی. مأخذ: The David Collection, Inv. no. 33/1997.

(کوهنل، ۱۳۷۸، ۵۲) از مشخصات این مکتب نقاشی است. پس از تجزیه و تقسیم افغانستان در قرن شانزدهم میلادی به دست دولت‌های ازبکی ماوراءالنهر، صفوی ایران و بابری هندوستان، جنبش‌ها و مبارزات سیاسی آزادی‌خواهی و استقلال‌طلبی در افغانستان منجر به طرد دولت صفوی و اشغال ایران توسط امپراتوری هوتکیان (۱۷۰۹-۱۷۳۸) به رهبری میرویس شد (Otfinoski, 2004, 7).

• احمدشاه درانی تا عبدالرحمن خان

احمد شاه درانی، در سال ۱۷۴۷ میلادی، پادشاه شد و دوره احیای افغانستان آغاز شد (غبار، ۱۳۶۸، ۳۵۳-۳۵۶). در زمان احمد شاه و تیمورشاه در مدت چهل و پنج سال، یک دوره امنیت و ثبات نسبی داخلی برقرار و صنایع دستی شامل نگارگری، صنایع چوب، فرش، سطرنجی و نم و نساجی خصوصاً ابریشم رونق گرفت. نقاشی نیز در دربار شاهان، ارزش و اهمیت خاصی داشت. محمد عظیم ابکم، نقاش مشهوری است که از زمان امیر دوست محمدخان به بعد نقاش دربار بوده و شاگردان بسیاری را نیز تربیت کرده است. شیوه کاری او، بیشتر آبرنگ یا آبرنگ مات همراه با مداد بوده است (تصویر ۲۴). در این دوران نقاشانی چون میرحسام‌الدین، محمدرضا نقاش، محمد حیدر و علی احمد نیز در دربارهای شیرعلی خان تا حبیب‌الله شاه مشغول به کار بودند. این نسل، مابین سال‌های ۱۱۸۷ الی ۱۲۵۲ هجری شمسی به دنیا آمدند و همگی تا سال ۱۳۵۳ فوت کرده بودند.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر، با گردآوری اسناد و مدارک باستان‌شناسی و تاریخی، در جهت تبیین تاریخی نقاشی افغانستان تا پیش



تصویر ۲۴. نقاشی سید میر حافظ جی صاحب، اثر محمد عظیم ابکوم، ۱۸۵۴، آبرنگ مات (opaque watercolour) بر روی مقوا، محل نگهداری: انگلستان، British Library. مأخذ: رفیعی راد، ۱۴۰۱، ۹۹.

- تسنگ، هیون. (۱۳۰۱). *سی یو کی، خاطرات ممالک شرقی*. (ترجمه سمویل بیل)، لندن: انتشارات راتلج.
- جلالی، غلام جیلانی. (۱۳۵۱). *غزنه و غزنویان*. کابل: کتاب خپرولو مؤسسه.
- حبیبی، عبدالحی. (۱۳۶۷). *تاریخ ایران و افغانستان بعد از اسلام*. چاپ سوم. تهران: دنیای کتاب.
- خواندمیر، غیاث‌الدین همادالدین. (۱۳۸۰). *کتاب تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد و بشر*. (مقدمه جلال‌الدین همائی، زیر نظر محمد دبیرسیاقی). تهران: انتشارات خیام.
- رهرو عمرزاد، عبدالواسع. (۱۳۹۷). *هنر افغانستان در سده اخیر، هنرهای زیبا*، (۹)، ۱۳-۲۰.
- رفاعی، انور. (۱۳۸۶). *تاریخ هنر در سرزمین‌ها اسلامی (ترجمه عبدالرحیم قنوت)*. چاپ سوم مشهد: انتشارات دانشگاهی فردوسی.
- رفیعی‌راد، رضا و تومیریس، ته‌میننه. (۱۳۹۶). *کارکرد پیکره در نقاشی دو دهه افغانستان*. نشریه علمی - تحقیقی هنرهای زیبا، *دانشکده هنرهای زیبا*، (۸)، ۱۸-۲۴.
- رفیعی‌راد، رضا و محمدزاده، مهدی. (۱۳۹۸). *راهبردهای زنان نقاش افغانستان در بازآفرینی و احیای میراث تصویری نگارگری در نقاشی معاصر این کشور*. خراسان بزرگ، (۳۹)، ۱-۱۶.
- رفیعی‌راد، رضا و محمدزاده، مهدی. (۱۳۹۹). *مقایسه شیوه‌های کاربردی سنت‌های تصویری نگارگری در آثار نقاشان زن معاصر در ایران و افغانستان*. پژوهش‌نامه گرافیک نقاشی، (۵)، ۹۱-۱۰۷.
- رفیعی‌راد، رضا و امیرپور، احسان. (۱۴۰۰). *تطبیق بازنمایی تصویر زن در نقاشی معاصر افغانستان و تاجیکستان*. پیکره، (۲۴)، ۲۶-۳۹.
- رفیعی‌راد، رضا. (۱۴۰۱). *تحلیل بازنمایی معماری در نقاشی‌های چهار دهه اخیر افغانستان*. هنر و تمدن شرق، (۳۵)، ۱۳-۲۲.
- زکی، محمدحسن. (۱۳۶۳). *صنایع ایران بعد از اسلام (ترجمه محمدحسین خلیلی)*. تهران: اقبال.
- غبار، میرغلام محمد. (۱۳۶۸). *افغانستان در مسیر تاریخ*. چاپ چهارم. کابل: مرکز نشر انقلاب با همکاری جمهوری.
- طبری، ابوجعفر محمدبن جریر. (۱۹۶۷). *تاریخ الامم و الملوک*. بیروت: روائع التراث العربی.
- کوهنل، ارنست. (۱۳۷۸). *اهمیت هنر نقاشی - مینیاتور (مکتب هرات - قسمت اول) (ترجمه سمیه اشتری)*. هنر دینی، (۲)، ۵۰-۵۷.
- کهزاد، احمد علی. (۱۳۵۵). *تاریخ افغانستان (از ادوار قبل تاریخ تا سقوط سلطه موریان)*. کابل: ناشر بی‌نام.
- محمدزاده، مهدی و مسینه‌اصل، مریم. (۱۳۹۵). *معماری در نقاشی مکتب هرات*. فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی، (۲)، ۲۷-۴۵.
- مردانوف، یزدان علی. (۱۳۸۷). *هنر و فرهنگ کتاب و کتاب‌سازی در عهد تیموری*. کتاب ماه هنر، (۱۷)، ۴۶ - ۴۹.
- مقریزی، تقی‌الدین احمد بن علی. (۱۳۲۴). *الخطط المقریزیه، المسماه بالمواعظ و الاعتبار بذكر خط و الآثار*. مصر: مکتبه ملتزمه.
- Baxter, C. (1997). *Historical Setting*. Library of Congress Country Studies on Afghanistan, Library of Congress.
- Dupree, N. H. (1977). *An Historical Guide to Afghanistan*. Afghan Tourist Organization Publication Afghan Tourist Organization, Kabul: Afghan Air Authority, Afghan Tourist Organization.
- Frankforth, P. (1989). *Fouilles de Shortughai recherches sur l'Asie centrale protohistorique*. Paris: Diffusion de Bocard.
- Griffin, L. (2002). *The Pre-Islamic Period of Afghanistan Country Study*. Illinois: Institute of Technology.
- Hackin, J. (1933). *B, L'Oeuvre de la délégation archéologique française en Afghanistan archéologie bouddhique*. Tokyo: Maison Franco-Japonaise.
- Kruglikova I. T. (1979). *Drevnjaja Baktrija Materialy ovetsko_Afganskoj arkheologicheskij ekspeditsii*. Vol. 2. Moskva: Eskusstuo (in russian).
- Lhuillier, J. & Bendezu-Sarmiento, J. (2018). *Central Asia and the Interaction between the Iranian Plateau and the Steppes in Late First Millennium BC*. *Ancient*

Civilizations from Scythia to Siberia, (24), 331-353.

- Miran, L. (2016). Professor Kamaluddin Behzad, a master miniaturist. *Afghanistan Archeological Review*, (32), 67-87.
- Necipoğlu, G. & Bailey, J. (2006). *An Annual on the Visual Culture of the Islamic World*, Muqarnas, Vol. 22. Boston: Published By Brill.
- Otfinoski, S. (2004). *Afghanistan*. USA: Infobase Publishing.
- Porfeiz, A. (2016). The art of architecture in Ghaznavid palaces. *Afghanistan Archeological Review*, (32), 67-87.

- Sabahat, Sh. (2019). Renaissance of the Timurid of Herat. *Afghanistan Archeological Review*, (37), 143-162.
- Sarmiento, B. J. & Rasouli, M. N. (2018). *L'archéologie de l'Afghanistan de la Préhistoire au début de l'Islam (RDAFA)*. Délégation archéologique française en Afghanistan. Kabul: Shemshad Pub.
- Sarwary, A. Q. (2020). A Study of the Art of Painting in Kabul, *Shanlax International Journal of Arts, Science and Humanities*, 8(2), 16-26.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to the journal of art & civilization of the orient. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله
رفیعی‌راد، رضا و اکرمی حسن کیاده، علیرضا. (۱۴۰۱). تحلیل تاریخی نقاشی افغانستان از دوران ماقبل تاریخ تا آغاز اصلاحات امانی. *مجله هنر و تمدن شرق*، ۱۰(۳۸)، ۲۹-۴۰.

DOI:10.22034/JACO.2022.367091.1273

URL:http://www.jaco-sj.com/article_163851.html

